

## The Influence of Russia on Iranian Political Activism (Case Study: The Tobacco Movement and the Jungle Movement)

*Majid Ostovar*<sup>1</sup>

*Zahra Maleki Adrani*<sup>2</sup>

Following Iran's defeat in the wars with Russia, the acceptance of imposed treaties, and the loss of significant portions of our country's territory, Russia proceeded to expand its influence in Iran. Subsequently, two major historical events—the Tobacco Movement and the Jungle Movement—provided an opportunity for Russia to utilize the popular resistance and collective action of the people to advance its own expansion and influence. The fundamental research question of this study is: By what measures did Russia exploit the collective action of the Iranian people during the Tobacco Movement and the Jungle Movement for its own benefit? Based on the research hypothesis, it is posited that Russia, by capitalizing on the collective action and resistance of Iranian society during critical historical junctures such as these movements, sought to reduce British influence and expand its own zones of influence. The research findings indicate that during these two historical periods, Russia succeeded in increasing its political, economic, and even cultural influence in Iran. This study employs a historical-analytical methodology based on documentary analysis.

▪ **Keywords:**

Iran, Russia, Qajar, Political Activism, Iranians, Tobacco Movement, Jungle Movement.

---

<sup>1</sup>. Department of Political Science, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.  
(Corresponding Author). [ostovar@iau.ac.ir](mailto:ostovar@iau.ac.ir)

<sup>2</sup>. PhD Candidate in Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. [zahra.maleki.ade@ut.ac.ir](mailto:zahra.maleki.ade@ut.ac.ir)



## تأثیر روسیه در کنشگری سیاسی ایرانیان

(مطالعه موردی: نهضت تنباکو و جنبش جنگل)

مجید استوار<sup>۱</sup>

زهرا ملکی آذرانی<sup>۲</sup>

### چکیده

پس از شکست ایران در جنگ با روسیه و پذیرش قراردادهای تحمیلی و از دست رفتن بخش‌هایی مهم از سرزمین کشورمان، روسیه به گسترش نفوذ خود در ایران مبادرت کرد. بعد از آن، دو رویداد مهم تاریخی؛ نهضت تنباکو و جنبش جنگل فرصتی بود تا روسیه از مقاومت مردم و کنش جمعی آنها در راستای گسترش و نفوذ خود استفاده کند. پرسش بنیادی پژوهش حاضر این است که روسیه با چه اقداماتی از کنش جمعی مردم ایران در نهضت تنباکو و جنبش جنگل به نفع خود استفاده کرده است؟ بر مبنای فرضیه این پژوهش به نظر می‌رسد که روسیه با بهره‌برداری از کنش جمعی و مقاومت جامعه ایرانی در مقاطع مهم تاریخی نظیر همین جنبش‌های یاد شده، در راستای کاهش نفوذ انگلیس و گسترش مناطق تحت نفوذ خود استفاده می‌کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که روسیه در این دو دوره تاریخی موفق شد تا نفوذ سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی خود را در ایران افزایش دهد. روش پژوهش حاضر تاریخی- تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای است.

### واژگان کلیدی:

ایران، روسیه، قاجاریه، کنشگری سیاسی، ایرانیان، نهضت تنباکو، جنبش جنگل.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۰۳

<sup>۱</sup> گروه علوم سیاسی واحد رشت دانشگاه آزاد اسلامی، رشت- ایران (نویسنده مسئول) [ostovar@iau.ac.ir](mailto:ostovar@iau.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران- ایران [zahra.maleki.ade@ut.ac.ir](mailto:zahra.maleki.ade@ut.ac.ir)



## مقدمه

تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی به شدت تحت تأثیر رقابت قدرت‌های استعماری به‌ویژه روسیه و بریتانیا قرار داشت. شکست ایران در جنگ‌های ایران و روسیه (۱۸۲۸ و ۱۸۱۳ م.) و امضای عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای نقطه‌عطفی در تضعیف حاکمیت سیاسی ایران و گسترش نفوذ روسیه در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور بود (رئیس‌طوسی، ۱۴۰۱: ۳۳۰-۳۲۳). از آن پس، روسیه نه‌تنها به عنوان یک قدرت نظامی در مرزهای شمالی ایران حضور داشت، بلکه به تدریج در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز به بازیگری فعال تبدیل شد. روابط سیاسی ایران و روسیه در قرن نوزدهم میلادی نیز نشان داد که روسیه همیشه ایران را کشوری ضعیف و تحت سلطه می‌دید که نیاز به کمک و حمایت آن دارد و از همین رو امتیازات اقتصادی و قضایی و مصونیت دیپلماتیک برای خود در نظر می‌گرفت (دوچمن، ۱۳۹۶: ۳۹). این نفوذ در مقاطع مختلف تاریخی از جمله در جریان نهضت تنباکو (۱۸۹۲-۱۸۹۱ م.) و جنبش جنگل (۱۹۲۱-۱۹۱۵ م.) نمود عینی یافت. پرسش بنیادی پژوهش حاضر این است که روسیه با چه اقداماتی از کنش جمعی مردم ایران در نهضت تنباکو و جنبش جنگل به نفع خود استفاده کرده است؟ پژوهش فوق همچنین این فرضیه را مطرح کرده است که روسیه با بهره‌برداری از کنش جمعی و مقاومت جامعه ایرانی در مقاطع مهم تاریخی نظیر نهضت تنباکو و جنبش جنگل در راستای کاهش نفوذ انگلیس و گسترش مناطق تحت نفوذ خود استفاده کرده است.

نهضت تنباکو که در واکنش به امتیاز انحصاری تنباکو به یک شرکت انگلیسی شکل گرفت، از نخستین نمونه‌های مقاومت جمعی مردم ایران علیه نفوذ خارجی بود. هر چند هدف ظاهری این حرکت مقابله با امتیازدهی دولت به بیگانگان بود، اما در بطن آن نوعی رقابت پنهان میان روسیه و بریتانیا جریان داشت. به نظر می‌رسد که روسیه با بهره‌گیری از فضای اعتراضی جامعه ایران و با تأکید بر مخالفت با نفوذ انگلیس توانست جایگاه خود را به عنوان قدرتی حامی استقلال ایران نزد برخی از نخبگان و اқشار مذهبی تثبیت کند. در واقع، روس‌ها از این فرصت برای کاهش نفوذ سیاسی و اقتصادی رقیب دیرینه خود، بریتانیا در ایران استفاده کردند (رمضانی، ۱۳۹۹: ۹۶-۹۳). تلاش روسیه برای هدایت حکومت ایران بر مبنای سه عامل جغرافیا، دیپلماسی و مالیه استوار بود و ابزارهای قدرتمندی را برای تداوم نفوذ دائمی بر ایران در اختیار داشت. در نتیجه، بریتانیا دریافته بود که در ایران نمی‌تواند روسیه را کنار بگذارد و باید کشور حائل را با همکاری روسیه حفظ کند (مک‌لین، ۱۴۰۱: ۳۵ و ۱۵۹). در دهه‌های بعد، جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان نیز

بستری دیگر برای کنشگری روسیه در ایران فراهم آورد. در شرایطی که ایران به دلیل جنگ جهانی اول و ضعف ساختار مرکزی دچار آشفتگی سیاسی بود، بلشویک‌های روسیه با شعارهای ضد استعماری و عدالت‌طلبانه توانستند بر بخشی از نیروهای جنبش جنگل تأثیرگذار شوند و از آن به عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع خود در شمال ایران بهره گیرند. این امر نشان می‌دهد که روسیه در هر دو مقطع تاریخی، ضمن استفاده از بسترهای مقاومت مردمی، در جهت تثبیت نفوذ ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک خود در ایران عمل کرده است. بر این اساس، با توجه به طرح بحث صورت گرفته، بررسی نحوه تأثیرگذاری روسیه بر کنشگری سیاسی ایرانیان در دو مقطع مهم تاریخی می‌تواند شناخت عمیق‌تری از الگوی تعامل میان قدرت‌های خارجی و نیروهای اجتماعی در ایران فراهم آورد. پژوهش حاضر با اتکاء بر روش تاریخی - تحلیلی می‌کوشد نشان دهد که چگونه روسیه با درک هوشمندانه از زمینه‌های نارضایتی و مقاومت جامعه ایرانی توانست از جنبش‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف استراتژیک خود بهره‌برداری کند.

### پیشینه تحقیق

آثار بسیار زیادی به فارسی و انگلیسی در باره حرکت‌های اعتراضی نهضت تنباکو و جنبش جنگل منتشر شده است که به تعدادی از پژوهش‌ها اشاره می‌شود. پژوهش‌های صورت گرفته عمدتاً از دریچه ویژگی استعماری قدرت‌های بزرگ و یا به‌طور جداگانه به بررسی نهضت تنباکو یا جنبش جنگل پرداخته‌اند؛ در حالی که این پژوهش برای نخستین بار هر دو جنبش را در کنار هم و در پیوند با سیاست و کنشگری روسیه در ایران تحلیل می‌کند. این مقایسه تطبیقی امکان شناسایی الگوهای مشابه و تفاوت‌های سیاست نفوذ روسیه در دو دوره متفاوت تاریخی را فراهم می‌سازد.

عباس امانت (۱۳۹۷) در کتاب «تاریخ ایران مدرن» به واکاوی فراز و فرود تاریخی ایرانیان و دخالت قدرت‌های بزرگ در وقایع سیاسی و اجتماعی ایران متمرکز می‌شود. وی با رویکردی تحلیلی، تحولات ایران را از دوره صفویه تا انقلاب اسلامی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه دولت، دین، مدرنیته و هویت ملی در بستر زمان شکل گرفته و تغییر یافته‌اند. او به جای تمرکز صرف بر تاریخ سیاسی تلاش کرده تا پیوندهای میان فرهنگ ایرانی، اندیشه مذهبی و ساختار قدرت را نیز برجسته کند. ادوارد براون (۱۳۹۹) در کتاب «انقلاب مشروطیت ایران» به تفصیل به تاریخچه امتیاز تنباکو و عملکرد نیروهای خارجی، دولت، تجار و علما می‌پردازد. از نظر وی ماجرای رسوایی تنباکو خدشه‌ای سنگین به حیثیت انگلستان وارد ساخت. داراب فولادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای نقش روسیه و انگلستان در دو جنبش اجتماعی

معاصر ایران: جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت» به حمایت روسیه از نهضت تنباکو و حمایت دولت انگلستان از انقلاب مشروطه در قالب مفهوم «اتحاد طبیعی» اشاره می‌کند و این وقایع را در جهت منافع آن قدرت‌ها قابل توضیح و بررسی می‌داند و معتقد است که این جنبش‌ها، رهبران و شرکت‌کنندگان در آنها صرفاً ناشی از اراده قدرت‌های بیگانه نبوده‌اند. منصور معدل (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «گفتمان سیاسی شیعه و بسیج طبقاتی در جنبش تنباکو» به نقش ایدئولوژی‌سازی گفتمان سیاسی شیعه توسط علما و قدرت بسیج‌کنندگی و رهبری آنها در نهضت تنباکو می‌پردازد. از نظر وی فشارهای اقتصادی و وجود دشمن خارجی مشترک در کنار رهبری علما و ایدئولوژی سیاسی شیعه، توان بسیج‌کنندگی بی‌نظیری به تجار و بازاریان در مقابل قرارداد رژی داد. موریس دویچمن (۱۳۹۶) در کتاب «ایران و امپریالیسم روسیه تزاری» به رابطه حکومت قاجار با روسیه تزاری و سیاست‌های امپریالیستی روسیه در ایران می‌پردازد. وی تأکید می‌کند که روسیه همیشه ایران را کشوری ضعیف و تحت سلطه می‌دید که نیاز به کمک و حمایت روسیه دارد. مسعود کمالی (۱۳۸۱) در کتاب «جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر» تلاش می‌کند تا پیوند میان جامعه مدنی، ساختار قدرت و فرآیند نوسازی سیاسی را در ایران معاصر تحلیل کند. وی در این کتاب نشان می‌دهد که تحولات مهم ایران از جمله نهضت مشروطه، نهضت تنباکو و جنبش‌های ملی‌گرایانه بعدی، نتیجه تعامل میان قدرت دولتی و نیروهای جامعه مدنی بوده است. او نقش علما، بازاریان، روشنفکران و گروه‌های اجتماعی محلی را به عنوان بازیگرانی فعال در شکل‌گیری کنش جمعی و فشار بر دولت برای اصلاحات و محدودسازی نفوذ خارجی برجسته می‌کند. محمد احمدی‌منش (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نقش روسیه در جنبش تنباکو»، به امتیازنامه رژی و نفوذ سیاسی و اقتصادی انگلستان در ایران اشاره کرده که با آغاز جنبشی بر ضد این امتیازنامه به کاهش نفوذ انگلستان و به سود روسیه منجر شد. علی مرشدی‌زاد و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو» به این موضوع اشاره می‌کند که فعالان نهضت تنباکو از چه ابزار و شیوه‌هایی برای بسیج و اقدام سیاسی بهره گرفته‌اند؟ در نهضت تنباکو از شبنامه، سخنرانی در مساجد و منابر، صدور فتاوی و پیام‌های تلگرافی برای بسیج مردم و از بست‌نشینی، راهپیمایی، تظاهرات توده‌ای و پاره کردن اعلامیه‌های شرکت تالبوت به مثابه اقدام عملی بر ضد حکومت استفاده شده است. همچنین در این پژوهش به روش‌هایی پرداخته شده است که مخالفان از آنها در جهت پیشبرد مقاصدشان استفاده کرده‌اند. سعید خاوری‌نژاد (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «تصویر روسیه امپراتوری به عنوان دشمن در حافظه جمعی ایرانیان» به عوامل تاریخی که باعث ایجاد بی‌اعتمادی عمیق نسبت به

روسیه شده است، اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که تصویر روسیه امپراتوری به عنوان دشمن در حافظه جمعی ایرانیان شکل گرفته و احساس قربانی بودن نسبت به روسیه بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت معاصر ایرانیان شده است. بکتاش گودرزی (۲۰۲۳) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «روابط روسیه و ایران و امپریالیسم روسیه در ایران دوره قاجار» به بررسی اقدامات روسیه در بهره‌گیری از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و گسترش سیاست‌های امپریالیستی آن در ایران پرداخته است. پژمان دیلمی (۱۹۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بلشویک‌ها و جنبش انقلابی جنگل، ۱۹۲۰-۱۹۱۵» به روابط میان میرزا کوچک خان و بلشویک‌ها به‌ویژه در زمینه‌های نظامی و سیاسی می‌پردازد و نشان می‌دهد که این تعاملات چگونه به تأسیس جمهوری سوسیالیستی شوروی ایران در گیلان منجر شد.

با مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته، برخلاف رویکردهای سنتی که معمولاً مردم ایران را در برابر قدرت‌های خارجی منفعل می‌دانند، این پژوهش به نقش کنش جمعی و مقاومت اجتماعی ایرانیان توجه دارد و می‌کوشد نشان دهد که چگونه روسیه از همین بسترهای کنش مردمی برای پیشبرد منافع خود بهره برده است. بدین ترتیب، نگاه پژوهش حاضر از «نفوذ صرف قدرت خارجی» به «تعامل دوسویه میان جامعه ایرانی و قدرت خارجی» تغییر می‌کند. همچنین در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته، روسیه تنها به عنوان یک قدرت نظامی و استعماری معرفی می‌شود، اما این پژوهش نشان می‌دهد که روس‌ها علاوه بر ابزارهای نظامی و اقتصادی، از ابزارهای فرهنگی و ایدئولوژیک نیز برای تأثیرگذاری بر جنبش‌های ایرانی از جمله حمایت تبلیغاتی از جنبش جنگل و بهره‌گیری از شعارهای ضد استعماری بلشویکی بهره گرفتند؛ در نتیجه، بررسی این مسأله از نوآوری‌های پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

### مبانی نظری: کنش جمعی

نظریه کنش جمعی که توسط چارلز تیلی<sup>۱</sup> ارائه شده، در حوزه نظریه‌های مربوط به انقلاب و جنبش‌های اجتماعی جای می‌گیرد و ابزار تحلیلی مناسبی برای مطالعه تحولات اجتماعی، چه در شکل سنتی و چه مدرن آن فراهم می‌کند. گستردگی و انعطاف‌پذیری این نظریه باعث شده بتوان آن را در تحلیل انواع مختلف جنبش‌های سیاسی به کار برد. تیلی در قالب مدلی که از آن به عنوان «الگوی بسیج» یاد می‌شود، پنج عنصر بنیادین را شناسایی می‌کند: (۱) منافع، (۲) سازمان، (۳) بسیج (۴) کنش جمعی و (۵) فرصت. (Tilly, 1978: 17). این مؤلفه‌ها چارچوبی نظری برای تحلیل

<sup>۱</sup>. Charles Tilly

نحوه شکل‌گیری و پیشبرد اعتراضات اجتماعی ارائه می‌دهند. وی با تمرکز بر بسترها و موقعیت‌های سیاسی شرایطی را بررسی می‌کند که در آنها گروه‌های معترض قادر به ظهور و اثرگذاری می‌شوند. برای درک عمیق‌تر از این نظریه، هر یک از عناصر کلیدی به صورت جداگانه بدین شرح بیان می‌شود:

**منافع:** مفهوم منافع به سودها یا زیان‌هایی اشاره دارد که گروه‌های اجتماعی در تعامل با سایر گروه‌ها یا ساختارهای قدرت تجربه می‌کنند. این منافع ممکن است بلندمدت و ساختاری باشند یا در واکنش به شرایط فوری و باورهای مشترک شکل بگیرند. در تحلیل تیلی دو نوع نگاه به منافع وجود دارد: یکی متأثر از رویکرد ساختارگرایی مارکس<sup>۱</sup> که تأکید بر تضادهای طبقاتی و ساختارهای پایدار دارد و دیگری بر مبنای رویکرد وبر<sup>۲</sup> که بیشتر به انگیزه‌های ذهنی، ادراکات فردی و واکنش‌های آنی توجه دارد (Tilly, 1978: 14).

**سازمان:** سازمان به ساختارها و هویت‌هایی اشاره دارد که گروه‌ها را منسجم و هدفمند می‌سازند. هر اندازه انسجام، همبستگی درونی و شبکه‌های ارتباطی درون یک گروه قوی‌تر باشد، آن گروه در اعمال کنش جمعی مؤثرتر ظاهر می‌شود. سازمان‌یافتگی به‌عنوان بستر عملی بسیاری از کنش‌های جمعی یکی از ارکان اساسی در تئوری تیلی است.

**بسیج:** بسیج به فرایندی اشاره دارد که در آن منابع مختلف - اعم از نیروی انسانی، سرمایه مادی و تجهیزات - برای انجام اقدامات گروهی گردآوری و سازماندهی می‌شوند. موفقیت در کنش جمعی مستلزم دسترسی و ساماندهی این منابع به شیوه‌ای هدفمند و کارآمد است.

**کنش جمعی:** این مؤلفه به اقدامات سازمان‌یافته و جمعی گروه‌ها برای تحقق اهداف و منافع مشترک آنها مربوط می‌شود. کنش جمعی می‌تواند اشکال مختلفی از اعتراض، اعتصاب، تظاهرات یا مقاومت سیاسی را در بر گیرد.

**فرصت:** عنصر فرصت در نظریه تیلی به شرایط و امکانات سیاسی خاصی اشاره دارد که زمینه ظهور و رشد جنبش‌ها را فراهم می‌کند. در این چارچوب، سه عنصر کلیدی در بررسی فرصت‌ها مدنظر قرار می‌گیرند: قدرت، سرکوب و فضای باز سیاسی. علاوه بر آن، تیلی مفهوم «جامعه سیاسی» را نیز مطرح می‌کند که مشتمل بر سه بازیگر است: حکومت، نیروهای معترض (چالشگران) و ساختار کلی جامعه سیاسی. حکومت به‌عنوان دارنده ابزارهای مشروعیت‌بخش و قدرت اجبار در برابر گروه‌های معترضی قرار می‌گیرد که در تلاش برای کسب سهمی از قدرت یا

<sup>۱</sup>. Karl Marx

<sup>۲</sup>. Max Weber

تغییر نظم موجود هستند. جنبش‌های اجتماعی زمانی شکل می‌گیرند که این گروه‌های چالشگر ادعاهای جدیدی علیه حاکمیت مطرح کرده، از حمایت مردمی یا هویتی برخوردار باشند و حکومت نیز نتواند یا نخواهد به طور مؤثر واکنش سرکوب‌گرایانه نشان دهد. این موقعیت، شرایط تولد یک ساختار سیاسی جایگزین را در بطن جامعه فراهم می‌آورد (Tilly, 1978: 21). بر اساس این مدل نظری می‌توان فرایندهایی همچون شکل‌گیری جنبش‌ها، نحوه سازماندهی آنان، نوع کنش‌های انتخاب‌شده و فرصت‌های پیش‌روی آنها را در بافت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی تحلیل کرد که در بررسی نهضت تنباکو و جنبش جنگل قابل تعمیم است.

### روسیه و ساختار قدرت در ایران

در دوره قاجار، ساختار قدرت در ایران تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم رقابت‌های امپریالیستی قدرت‌های خارجی به‌ویژه روسیه قرار گرفت. شکست‌های نظامی ایران از روسیه در اوایل قرن نوزدهم میلادی و انعقاد قراردادهای گلستان (۱۸۱۳ م.) و ترکمانچای (۱۸۲۸ م.) نقطه‌عطفی در تغییر مناسبات قدرت سیاسی و نظامی کشور بود. از معاهدات تحمیلی و تضعیف اقتدار سیاسی گرفته تا نهادسازی نظامی و سلطه اقتصادی، همه این عوامل دست به دست هم دادند تا روسیه بتواند در سیاست داخلی ایران نقشی پایدار ایفاء کند. از آن پس، روسیه به یکی از مهم‌ترین بازیگران خارجی در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران بدل شد. این نفوذ نه‌فقط در قالب حضور نظامی و سرزمینی، بلکه در ساختار نهادهای قدرت و سیاست داخلی ایران نیز بازتاب یافت (Goudarzi, 2023). بدین ترتیب در سه زمینه زیر نفوذ روسیه در ایران حایز اهمیت است.

### معاهدات و تضعیف اقتدار سیاسی

جنگ‌های ایران و روسیه (۱۸۱۳-۱۸۰۴ م. و ۱۸۲۸-۱۸۲۶ م.) و معاهدات تحمیلی پس از آنها، اساس ساختار قدرت قاجار را تضعیف کرد و شاهان قاجار را در برابر نفوذ خارجی آسیب‌پذیر ساخت. بر اساس تحلیل مورخین، این معاهدات نه‌تنها به جدایی بخش‌هایی مهم از قفقاز انجامید، بلکه موجب شد که روسیه در امور سیاسی و نظامی ایران نقش ناظر و گاه قییم‌گونه ایفاء کند (Moazami, 2021: 12). نتیجه این فرایند، محدود شدن استقلال دولت مرکزی و تبدیل شدن روسیه به بازیگری تعیین‌کننده در روابط قدرت داخلی ایران بود.

### نفوذ نظامی و امنیتی

یکی از جلوه‌های بارز تأثیر روسیه در ساختار قدرت ایران، تأسیس و توسعه نیروی نظامی بریگاد قزاق ایران بود. این یگان در جریان سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۸۷۸م. تشکیل شد. نیروی نظامی جدید به ابتکار ناصرالدین شاه و با همکاری مستشاران روسی شکل گرفت و به سرعت به ستون اصلی سرکوب و اعمال اقتدار حکومت تبدیل شد (اتحادیه، ۱۳۹۸: ۳۸۹-۳۸۷). فرماندهان روسی به جای آموزش یگان‌های نظامی ایران در سیاست‌های امنیتی و نظامی کشور مداخله می‌کردند. به ویژه در اواخر دوره قاجار، بریگاد قزاق به ابزاری برای مداخله مستقیم روسیه در امور داخلی ایران تبدیل شد؛ چنانکه در جریان انقلاب مشروطه و تحولات سیاسی پس از آن، از سوی روس‌ها برای حمایت از منافع‌شان مورد استفاده قرار گرفت (Goudarzi, 2023: 45). این نفوذ نظامی موجب شکل‌گیری وابستگی نهادی در نیروهای نظامی ایران شد که تا پایان قاجاریه تداوم یافت.

### نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک

در عرصه اقتصادی، روسیه با استفاده از برتری جغرافیایی و نظامی خود، تجارت ایران را به سمت شمال و به بازارهای قفقاز و آسیای مرکزی سوق داد. طبق داده‌های آماری اواخر قرن نوزدهم میلادی، حدود ۶۰ درصد صادرات ایران به روسیه انجام می‌شد و کالاهای روسی بخش عمده‌ای از واردات کشور را تشکیل می‌داد (Gheorghe, 2015: 7). این وضعیت سبب شد تا بازار ایران به شدت به کالاها و سرمایه روسی وابسته شود و در نتیجه، شاهان قاجار در سیاستگذاری اقتصادی خود ناگزیر از ملاحظه منافع روسیه باشند. همچنین روس‌ها با اعطای وام‌های سنگین و تحمیل امتیازات ویژه از جمله راه‌اندازی بانک استقراضی، ایران را در موقعیت مالی وابسته‌ای قرار دادند و نفوذ خود را بر منابع اقتصادی کشور تثبیت کردند. بنابراین، سیاست روس‌ها ترکیبی از اشغال اراضی و ترتیبات تجاری ترجیحی به منظور سلطه بر سرزمین ایران بود. تصرف شمال ایران و استقرار کنسول‌های روس در هر شهر و بندر شمالی و اعمال تعرفه ۴ درصدی برای اجناس روسی از زمان انعقاد عهدنامه ترکمانچای تا پس از استقرار بلشویک‌ها در روسیه برقرار بود. بر همین مبنا، سیاست تعرفه‌های گمرکی کاملاً به زیان کشور عمل می‌کرد و ایران نیز به منظور حل مشکلات مالی و بی‌ثباتی خود به سیاست امتیازدهی به قدرت‌های بزرگ ادامه می‌داد. (فرمانفرمایان، ۱۳۸۹: ۳۶۰-۳۵۸).

از نظر دیپلماتیک نیز روابط روسیه و ایران در قرن نوزدهم میلادی بر پایه نوعی رابطه سلطنتی و تشریفاتی بنا شده بود. به واقع مناسبات میان دربار سن پترزبورگ و تهران در ظاهر بر اساس برادری و احترام متقابل میان پادشاهان بود، اما در عمل روسیه با استفاده از این روابط نمادین، جایگاه سیاسی خود را در ساختار درباری ایران تثبیت کرد (Deutschmann, 2022: 18). برآیند مجموع این نفوذها، تغییر تدریجی در ماهیت قدرت سیاسی ایران بود. در حالی که شاهان قاجار می‌کوشیدند تا اقتدار خود را از طریق نیروی نظامی و دستگاه دیوانی تقویت کنند، روسیه با حضور مستشاران نظامی، نفوذ اقتصادی و فشار دیپلماتیک، بخشی از این اقتدار را به سمت خود سوق داد. به بیان دیگر، ساختار قدرت قاجار در عمل به عرصه‌ای از رقابت میان نیروهای داخلی وابسته به روسیه و بریتانیا تبدیل شد. در این دوره، دخالت مستقیم روسیه و همچنین انگلستان در نهادهای نظامی، مالی و دیپلماتیک مانع از تشکیل یک دولت-ملت ایرانی شد (متین‌عسگری، ۱۳۹۸: ۴۰۴-۴۰۵) و استقلال ایران را با بحران وجودی روبرو ساخت. همین دخالت‌های فزاینده و از میان رفتن استقلال ایران، راه را برای تحولات سیاسی بعدی فراهم ساخت.

### نهضت تنباکو و شکل‌گیری زمینه‌های مقاومت

نهضت تنباکو را می‌توان نخستین اعتراض ملی و دینی در تاریخ معاصر ایران دانست که در آن ائتلافی میان مردم، بازار و روحانیت در برابر نفوذ بیگانگان و سیاست‌های استعماری شکل گرفت. در آن زمان، تولید و بازرگانی تنباکو بخش قابل توجهی از ساختار اقتصادی ایران را تشکیل می‌داد. در نهضت تنباکو (۱۸۹۲-۱۸۹۱ م.) در نتیجه فروش امتیاز تنباکو به تالبوت<sup>۱</sup> انگلیسی از طرف ناصرالدین شاه، نارضایتی عمومی به اعتراض توده‌ای تبدیل شد. تالبوت در مقابل پرداخت سود ۲۵۰۰۰ پوند به شاه و قرار پرداخت ۱۵۰۰۰ پوند اجاره سالانه و ۲۵ درصد سود حاصل به ایران، امتیاز انحصاری پنجاه ساله توزیع و صدور تنباکو را از ایران به دست آورد. این امتیاز انحصاری با اعتراض شدید بازاریان روبرو شد و علماء با صدور فتوایی برای تحریم مصرف دخانیات از این اعتراض‌ها و اعتصاب‌های بازاریان حمایت کردند. تحریم تنباکو با پشتیبانی روس‌ها، مجتهدان مقیم کربلا، سید جمال [الدین اسدآبادی] در استانبول و ملکم خان در لندن به اعتراض عمومی منجر شد و ناصرالدین شاه را وادار به لغو امتیاز کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۴).

در رأس مخالفان این امتیاز، علما و مجتهدان برجسته شیعه قرار داشتند که با اتکاء به نفوذ اجتماعی و مشروعیت دینی خود توانستند اعتراض‌های پراکنده را به یک حرکت سراسری تبدیل

<sup>۱</sup>. Major Gerald F. Talbot

کنند. در میان آنان، نقش میرزا حسن شیرازی بیش از همه تعیین کننده بود. وی در سامرا اقامت داشت، اما با دریافت گزارش‌هایی از وضعیت ایران و درخواست علما و بازرگانان، در جمادی‌الاولی ۱۳۰۹ق./ دسامبر ۱۸۹۱م. فتوای تاریخی خود را صادر کرد و استعمال تنباکو و توتون را در حکم محاربه با امام زمان (عج) دانست. این فتوا مشروعیت مذهبی استفاده از تنباکو را به کلی سلب کرد و به سرعت در سراسر کشور منتشر شد؛ علما در شهرهای مختلف با صدور بیانیه‌ها و برپایی مجالس وعظ، مردم را به مقاومت فراخواندند (کسروی، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۴).

واکنش مردم به‌ویژه طبقه بازار و اصناف بسیار گسترده بود. تجار بازار تهران، تبریز، شیراز و اصفهان نخستین گروه‌هایی بودند که فروش و مصرف تنباکو را متوقف کردند و مغازه‌های خود را بستند. زنان نیز در این جنبش نقشی فعال ایفاء کردند. گزارش‌ها از آن حکایت دارد که حتی زنان درباری در اندرونی ناصرالدین شاه، قلیان‌ها را شکستند و از مصرف تنباکو خودداری کردند (Avery, 1971: 91). این اقدام نمادین نشان داد که فتوای میرزای شیرازی مرزهای طبقاتی و جغرافیایی را درنور دیده و به یک فرمان ملی تبدیل شده است. بازاریان با قطع ارتباط تجاری با کمپانی انگلیسی، فشار اقتصادی چشمگیری بر دولت وارد کردند و با حمایت روحانیت، تظاهرات و اجتماعاتی در مساجد برپا نمودند. این همبستگی اجتماعی میان بازار و روحانیت، الگوی جدیدی از کنش جمعی سیاسی را در تاریخ ایران بنیان گذاشت که در جنبش مشروطه و نهضت ملی شدن نفت نیز تکرار شد.

دولت ناصرالدین شاه در ابتدا کوشید از طریق تطمیع و تهدید علما و رهبران محلی، جنبش را فرو بنشانند، اما موفق نشد. گزارش‌های موجود از بریتانیا و روسیه نشان می‌دهد که مأموران هر دو کشور در تهران، از نزدیک تحولات را دنبال می‌کردند و ناصرالدین شاه را از احتمال شورش گسترده برحذر می‌داشتند (Goudarzi, 2023: 47). سرانجام در ژانویه ۱۸۹۲ شاه تحت فشار افکار عمومی و خطر بی‌ثباتی داخلی، فرمان لغو امتیاز تنباکو را صادر کرد (اتحادیه، ۱۳۹۸: ۳۸۸). این پیروزی، نه تنها شکست بزرگی برای سیاست اقتصادی انگلستان در ایران بود، بلکه قدرت اجتماعی و سیاسی روحانیت و مردم را آشکار ساخت (The Oxford Handbook of Iranian History, 2020: 276).

در دوران نهضت تنباکو که نخستین اعتراض مردمی گسترده علیه امتیازات اقتصادی خارجی محسوب می‌شود، نقش روسیه در عرصه نظامی و امنیتی آشکارتر شد. از یک‌سو، روسیه به طور رسمی موضعی بی‌طرف اتخاذ کرد و از دخالت آشکار در بحران خودداری نمود؛ اما در عمل، از طریق افسران روسی حاضر در بریگاد قزاق از تحرکات مردمی و روحانیان در تهران و تبریز گزارش‌های منظم به سفارت روسیه ارسال می‌شد (Avery, 1971: 91). این گزارش‌ها در تعیین

سیاست روسیه نسبت به اعتراض‌ها و چگونگی برخورد دولت ناصرالدین شاه با رهبران مذهبی جنبش تأثیر مستقیم داشت.

روسیه که در رقابت با انگلستان نفوذ خود را در شمال ایران حفظ کرده بود، در جریان نهضت تنباکو ترجیح داد به جای حمایت از دولت قاجار در سرکوب مردم، سیاستی محتاطانه اتخاذ کند تا از تضعیف پایگاه مردمی شاه جلوگیری شود و در عین حال، با شکست اقتصادی انگلستان در ایران منافع خود را تقویت نماید (Gheorghie, 2015: 6). در واقع، بریگاد قزاق در این مقطع نه برای مقابله با معترضان، بلکه بیشتر برای حفظ نظم عمومی و محافظت از نهاد سلطنت به کار گرفته شد. افسران روسی به‌طور ضمنی تلاش کردند تا از گسترش درگیری‌ها جلوگیری کنند، چرا که هر گونه بی‌ثباتی گسترده می‌توانست حضور و منافع روسیه در شمال ایران را تهدید کند (Deutschmann, 2022: 18).

از نظر ساختاری، سیاست خارجی قاجار در این دوره دادن امتیازات انحصاری بازرگانی به روس‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در مقابل کسب کمک‌های مالی و تعلیمات نظامی بود. از همین رو، این نوع سیاست خارجی، علماء را نگران از نفوذ غرب در کشور می‌ساخت که ایرانیان غرب زده شوند و گرایش کمتری به دین و مذهب داشته باشند. (اتحادیه، ۱۳۹۸: ۳۸۸-۳۸۷).

با وجود مداخلات خارجی، نهضت تنباکو اساساً توسط نیروهای بومی هدایت شد. تجار و بازاریان به عنوان نخبگان اقتصادی در کنار روحانیون نقشی محوری در هماهنگی تحریم‌ها و تدارک اعتراضات ایفاء کردند. در نهایت، مشارکت گسترده مردم از جمله کارگران شهری و کشاورزان در این جنبش مردمی، عامل اصلی موفقیت تحریم و شکست قرارداد رژی بود. این جنبش در نهایت منجر به لغو امتیاز در سال ۱۸۹۲ م. شد؛ اگر چه دولت ایران مجبور به پرداخت خسارت مالی به شرکت بریتانیایی گردید. این جنبش، به عنوان یک الگو، زمینه‌ساز اعتراضات وسیع‌تری نظیر انقلاب مشروطه (۱۹۱۱-۱۹۰۵ م.) شد و نشان داد که اقدام جمعی می‌تواند به تحولات سیاسی و تغییرات عمده منتهی گردد.

بر اساس نظریه تیلی، جنبش‌های اجتماعی زمانی به‌وجود می‌آیند که سه مؤلفه اصلی فرصت‌های سیاسی، شبکه‌های سازمانی و چارچوب‌های فرهنگی مشترک وجود داشته باشد. در نهضت تنباکو نیز هر سه مؤلفه اصلی مورد نظر تیلی وجودی بارز داشتند. اعطای امتیاز به شرکت رژی به عنوان یک فرصت سیاسی برای ایجاد نارضایتی عمومی عمل کرد. شبکه‌های سازمانی به‌ویژه روحانیون و تجار نقش عمده‌ای در سازماندهی اعتراضات ایفاء کردند. به تعبیری می‌توان گفت که موفقیت نهضت تنباکو مدیون علماء است و رهبران واقعی جامعه مدنی در ایران بودند

که دولت را وادار ساختند که آنها را به عنوان همتای خود در امور مدنی بپذیرند (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۰۴). همچنین چارچوب‌های فرهنگی و مذهبی مشترک به عنوان یک ایدئولوژی فراگیر باعث شد که فتوای تحریمی میرزای شیرازی در جامعه گسترش یابد و مقاومت عمومی شکل بگیرد. یعنی یک ارتباط نظام‌مند میان منافع طبقاتی و سلوک سیاسی مذهب تشیع به عنوان چارچوب فرهنگی مشترک و ایدئولوژی فراگیر در نهضت تنباکو به بسیج سیاسی علیه امتیاز تنباکو انجامید (معدل، ۱۳۹۶: ۳۲).

### جنبش جنگل: کنش جمعی ایرانیان و بازیگری روسیه

جنبش جنگل (۱۳۰۰-۱۲۹۳ش./ ۱۹۲۱-۱۹۱۵م.) از مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی-اجتماعی ایران در دوران پس از مشروطه است که در شمال کشور و استان گیلان شکل گرفت. این جنبش که ویژگی ضد امپریالیستی پیدا کرد، برآمده از نارضایتی گسترده مردم از اشغال نظامی روسیه در ایالت [گیلان] و افزایش ستم ارباب به رعیت بود (دیلمی، ۱۳۸۶: ۱۷۴). در این میان، نقش روسیه در تحولات این جنبش بسیار تعیین‌کننده بود. روسیه در دو مقطع تاریخی متفاوت، هم به عنوان قدرت اشغالگر تزاری و هم در قالب دولت انقلابی بلشویکی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر مسیر جنبش جنگل تأثیر گذاشت (Cronin, 2010: 233).

جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی نمونه‌ای از تبلور کنش جمعی ملی و ضد استعماری بود. این جنبش نه تنها پاسخی به اشغال خارجی، بلکه تلاشی برای بازسازی اقتدار ملی و ایجاد حکومتی مردمی و عدالت‌محور در برابر استبداد مرکزی و نفوذ قدرت‌های خارجی بود. برخلاف بسیاری از شورش‌های محلی، جنبش جنگل توانست ائتلافی از نیروهای متنوع اجتماعی را گرد آورد. شعارهای اصلی جنبش شامل استقلال ایران، اصلاح ساختار حکومتی، عدالت اجتماعی و مخالفت با نفوذ روس و انگلیس بود. (Shakeri, 1995: 129). در این میان، عنصر دینی نیز در گفتمان جنبش حضور داشت، اما برخلاف نهضت تنباکو، وجه سیاسی و ملی آن برجسته‌تر بود. میرزا کوچک خان، ضمن تأکید بر استقلال کشور، از تشکیل دولت مرکزی ضعیف و وابسته به خارجی‌ان انتقاد می‌کرد (Ghods, 1989: 67). این نوع گفتمان، جنبش جنگل را به الگویی از کنش جمعی ضد استعماری تبدیل کرد که بعدها در جنبش‌های استقلال‌طلبانه ایران بازتاب یافت.

### روسیه تزاری و سرکوب جنبش

در سال‌های آغازین جنبش، نیروهای روس تزاری در شمال ایران حضور داشتند. آنان که از زمان قرارداد ۱۹۰۷م. با انگلستان، شمال ایران را حوزه نفوذ خود می‌دانستند، هر گونه جنبش مردمی را تهدیدی برای منافع‌شان تلقی می‌کردند (Cronin, 2010: 229). در سال ۱۹۱۶م، نیروهای روس با همکاری دولت مرکزی در صدد سرکوب جنگلی‌ها برآمدند و مناطق رشت و فومن را اشغال کردند. این اقدام موجب عقب‌نشینی موقت نیروهای میرزا کوچک خان به ارتفاعات گیلان شد. سیاست روسیه در این مرحله، حفظ ثبات منطقه برای دفاع از مسیرهای ارتباطی قفقاز بود و از هر گونه جنبش ملی‌گرای مستقل پرهیز می‌کرد.

### روسیه بلشویکی و اتحاد موقت

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شرایط برای جنبش جنگل تغییر یافت. دولت بلشویکی به رهبری لنین، سیاست «ضد امپریالیستی» در پیش گرفت و شعار خروج از جنگ جهانی و حمایت از ملت‌های مستعمره را مطرح کرد. در نتیجه، در سال‌های ۱۲۹۹-۱۲۹۸ش. / ۱۹۲۰-۱۹۱۹م. روابط تازه‌ای میان جنگلی‌ها و بلشویک‌ها شکل گرفت. در خرداد ۱۲۹۹ش. / می ۱۹۲۰م. نیروهای بلشویکی بندر انزلی را اشغال کردند و به همکاری با جنبش جنگل پرداختند. این اتحاد به تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران در گیلان انجامید که عملاً نخستین تجربه دولت محلی با گرایش‌های چپ در تاریخ ایران بود. با این حال، این اتحاد چندان پایدار نبود. بلشویک‌ها که اهداف استراتژیک خود در منطقه را دنبال می‌کردند، به تدریج از شعارهای استقلال طلبانه جنگلی‌ها فاصله گرفتند و در صدد نفوذ ایدئولوژیک در میان رهبران جنبش برآمدند. اختلاف نظر میان میرزا کوچک خان و رهبران حزب کمونیست ایران که تحت حمایت روس‌ها بودند، موجب تفرقه و فروپاشی اتحاد شد (Shakeri, 1995: 135). در نهایت، با عقب‌نشینی نیروهای بلشویک از ایران و سرکوب داخلی، جنبش جنگل در سال ۱۳۰۰ش. پایان یافت.

### روسیه به عنوان بازیگر فرصت طلب

در مجموع، بازیگری روسیه در جنبش جنگل را می‌توان فرصت طلبانه و متغیر دانست. روسیه تزاری، برای حفظ نفوذ منطقه‌ای، مخالف جنبش بود و آن را تهدیدی برای ثبات می‌دانست. اما روسیه بلشویکی، به طور موقت با جنبش همکاری کرد تا نفوذ خود را در دریای خزر و قفقاز تحکیم بخشد. در هر دو حالت، روسیه از کنش جمعی ایرانیان در راستای منافع خود بهره‌برداری کرد، بدون آنکه به استقلال کامل ایران یا آرمان‌های ملی جنبش متعهد باشد (پرسیتس، ۱۳۹۲:

۱۰۹). از سوی دیگر، تجربه جنبش جنگل نشان داد که کنش جمعی ایرانیان می‌تواند با محوریت ارزش‌های ملی و عدالت‌خواهی، نیرویی مؤثر در برابر سلطه خارجی ایجاد کند، اما فقدان انسجام ایدئولوژیک و دخالت بازیگران خارجی، امکان موفقیت پایدار آن را محدود ساخت.

### مقایسه بازیگری روسیه در نهضت تنباکو و جنبش جنگل

بررسی حرکت‌های سیاسی و اجتماعی تاریخی ایران؛ نهضت تنباکو و جنبش جنگل نشان می‌دهد که روسیه همواره به عنوان یک بازیگر خارجی فعال سعی داشت از کنش جمعی ایرانیان برای تأمین منافع استراتژیک خود بهره‌برداری کند. با این حال، تفاوت‌های بنیادین در ماهیت این دو جنبش و شرایط سیاسی و نظامی آنها، نحوه تعامل روسیه با هر کدام را متفاوت ساخت. در نهضت تنباکو، روسیه تزاری به‌رغم حضور مستشاران و افسران در ایران، رویکردی نسبتاً محتاطانه اتخاذ کرد. بریگاد قزاق تحت نظارت روس‌ها در تهران و تبریز از نزدیک فعالیت‌های مردم و روحانیت را رصد می‌کرد، اما مستقیماً وارد مقابله با معترضان نشد. دلیل این محتاط‌کاری، ملاحظات ژئوپولیتیک و رقابت با انگلستان بود. روسیه نمی‌خواست با سرکوب علما و مردم، موج نارضایتی عمومی ایجاد کند که می‌توانست امنیت مسیرهای تجاری و مناطق نفوذ شمال ایران را تهدید نماید (Avery, 1971: 91).

در این مقطع، کنش جمعی ایرانیان (مردم، بازار و علما) توانست نفوذ خارجی و سیاست‌های اقتصادی استعماری را محدود کند. فتوای مذهبی و مشارکت فعال بازار، روسیه را در جایگاهی منفعل قرار داد و نشان داد که حتی با حضور نظامی نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مشروعیت اجتماعی، کنترل جنبش‌های مردمی را حفظ کرد. در مقابل، در جنبش جنگل، روسیه نقش فعال‌تری ایفاء کرد و دو مرحله متفاوت از حضور خود را نشان داد. در دوره روسیه تزاری در جریان جنبش تنباکو، روسیه در ابتدا به عنوان نیروی سرکوبگر عمل کرد و با همکاری دولت مرکزی مناطق گیلان را اشغال نمود تا جنبش جنگل را محدود کند. اما در دوره بلشویک‌ها پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، سیاست ضد استعماری بلشویک‌ها موجب شد تا روسیه با جنبش جنگل برای ایجاد جمهوری شوروی گیلان همکاری کند و نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی خود را در شمال ایران تقویت نماید. همچنین بلشویک‌های روسیه به دنبال اندیشه شوروی کردن تمام ایران از مسیر بی‌ثبات‌سازی دولت مرکزی در ایران بودند (پرسیتس، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹).

این تغییر رفتار روسیه را در جریان جنبش جنگل نشان‌دهنده فرصت‌طلبی ژئوپولیتیک و استفاده از کنش جمعی ایرانیان برای اهداف استراتژیک خود می‌توان تلقی کرد. به طور کلی از دیدگاه نظریه کنش جمعی چارلز تیلی می‌توان روسیه را به عنوان یک بازیگر خارجی در نظر

گرفت که از طریق مداخلات غیرمستقیم در شکل‌دهی به ساختارهای محلی قدرت در ایران تأثیرگذار بوده است. این کشور با حمایت پنهانی از برخی نخبگان اقتصادی و تجار ایرانی و همچنین اعمال فشارهای اقتصادی نظیر تعلیق یا محدودسازی روابط تجاری، به ایجاد شرایطی مساعد برای بروز اعتراضاتی همچون نهضت تنباکو کمک کرد. این فشارها نهایتاً به تقویت نفوذ قدرت‌های خارجی در سیاست داخلی ایران و تضعیف قدرت دولت مرکزی انجامید، به طوری که ناصرالدین شاه برای حفظ ثبات داخلی مجبور شد امتیازاتی به این قدرت‌ها اعطاء کند.

بر همین سیاق، جنبش جنگل نیز نمونه‌ای بارز از گروه‌هایی است که برای مقابله با فشارهای سلطنت و نفوذ قدرت‌های استعماری به منابع داخلی و خارجی تکیه کردند. حمایت‌های موقت و تاکتیکی روس‌ها از این جنبش به جنگلی‌ها این امکان را داد که ساختار حکومتی موازی خود را در گیلان شکل دهند؛ ساختاری که با استفاده از قوه قهریه، منابع مالی و گفتمان انقلابی در پی برقراری نظامی بدیل نسبت به حکومت سلطنتی مستقر بود.

از این رو بلشویک‌ها و دیگر نیروهای روسی را می‌توان جزو عوامل شکل‌گیری حکومت‌های محلی در ایران دانست. آنها نه تنها از طریق ارسال کمک‌های نظامی و مالی، بلکه با انتقال ایده‌های انقلابی، بسترهای جدیدی برای فعالیت‌های سیاسی در ایران فراهم کردند. بنابراین، گروه‌هایی چون جنگلی‌ها در تعامل با این بازیگران خارجی به ابزارهایی تبدیل شدند که روس‌ها از آنها برای گسترش حضور و نفوذ خود در مناطق استراتژیک ایران به‌ویژه در شمال استفاده کردند.

### نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی دو جنبش مهم تاریخ معاصر ایران؛ نهضت تنباکو و جنبش جنگل در چارچوب نظریه کنش جمعی چارلز تیلی نشان می‌دهد که این جنبش‌ها را نمی‌توان صرفاً واکنش‌هایی خودجوش به فشارهای داخلی دانست، بلکه آنها در بستر پیچیده‌ای از فرصت‌های سیاسی، منافع طبقاتی، ساختارهای سازمانی و حمایت‌های خارجی از جمله نقش‌آفرینی روسیه شکل گرفتند و تحول یافتند. بر این اساس، هر جنبش اجتماعی زمانی به کنش جمعی مؤثر منجر می‌شود که سه عنصر کلیدی فراهم باشد: فرصت‌های سیاسی، منابع بسیج و چارچوب‌های فرهنگی مشروعیت‌بخش. در هر دو جنبش یادشده، روسیه در شکل‌گیری یا تغییر جهت این عناصر نقشی غیرمستقیم، اما راهبردی ایفاء کرد. در نهضت تنباکو، روسیه به عنوان رقیب استعماری بریتانیا، گرچه مستقیماً رهبری جنبش را در دست نداشت، اما با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، نفوذ در دربار قاجار و بهره‌گیری از عوامل داخلی سعی کرد اعتراضات را در جهتی هدایت کند که نفوذ

بریتانیا تضعیف شود. با وجود این، وزن اصلی جنبش بر دوش روحانیت شیعه، تجار و بازاریان بود که با شبکه‌های اجتماعی سنتی بسیج شده بودند.

در مقابل، جنبش جنگل در فضایی به مراتب پیچیده‌تر از منظر روابط بین‌الملل شکل گرفت؛ در دورانی که انقلاب بلشویکی در روسیه اتفاق افتاده و سیاست‌های آن کشور از امپریالیسم تزاری به صدور انقلاب تغییر یافته بود. در اینجا روس‌ها، به‌ویژه بلشویک‌ها از نقش هم‌پیمان استراتژیک فراتر رفتند و عملاً با حمایت نظامی، مالی و ایدئولوژیک به بخشی از فرایند دولت‌سازی جنگلی‌ها در گیلان تبدیل شدند. کمک به تشکیل «جمهوری شورایی گیلان» نمونه بارزی از استفاده روسیه از فرصت‌های سیاسی برای تثبیت نفوذ خود در منطقه است.

روسیه در هر دو جنبش با اعمال قدرت سخت (نظامی و اقتصادی) و قدرت نرم (ایده‌ها، حمایت‌های پنهان و بازی در میدان اجتماعی) در صدد بود تا نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به آینده سیاسی ایران ایفاء کند. نکته مهم این است که روسیه از کنش‌های جمعی داخلی نه صرفاً برای مداخله در سیاست ایران، بلکه به عنوان ابزار رقابت هژمونیک با قدرت‌های رقیب (به‌ویژه بریتانیا) استفاده کرد. این رقابت در زمین ایران باعث شد تا نیروهای بومی، گاه به طور ناخواسته در بازی‌های بزرگ‌تر ژئوپلیتیک وارد شوند. بنابراین، ماهیت و گستره کنش جمعی ایرانیان و نوع حضور روسیه، نتیجه تاریخی متفاوتی را رقم زده است. در نهضت تنباکو، قدرت اجتماعی علما و بازار موجب شد تا روسیه بیشتر منفعل باقی بماند. اما در جنبش جنگل، روسیه بلشویکی با استفاده از فرصت توانست بخشی از اهداف خود را پیش ببرد، اگر چه در نهایت جنبش جنگل با عقب‌نشینی روس‌ها و فشارهای داخلی شکست خورد.

فرجام سخن اینکه بررسی نقش روسیه در این دو کنش جمعی نشان می‌دهد که جنبش‌ها الزماً در برابر مداخلات خارجی مصون نیستند و می‌توانند به گونه‌ای هدایت شوند که با اهداف بازیگران بین‌المللی هم‌راستا شوند. بنابراین، روسیه بسته به دوره زمانی و نوع نظام حاکم (تزاری یا بلشویکی) از ابزارهای متفاوتی برای بهره‌برداری از جنبش‌های داخلی ایران استفاده کرده است. در نتیجه، تحلیل حاضر نشان می‌دهد که کنش‌های جمعی در ایران عصر قاجار نه‌تنها محصول تضادهای درونی جامعه، بلکه تحت‌تأثیر مستقیم و غیرمستقیم رقابت قدرت‌های خارجی از جمله روسیه شکل گرفته‌اند و تداوم یافته‌اند.

## منابع و مأخذ

## فارسی:

- اتحادیه نظام‌مافی، منصوره، «ایران در دوران قاجار (۱۹۲۱-۱۷۹۶ م / ۱۳۴۰-۱۲۱۰ ه. ق.)»، *تاریخ ایران پژوهش آکسفورد*، ۱۳۹۸، ویراسته: تورج دریایی، ترجمه: شهربانو صارمی، تهران: ققنوس.
- احمدی‌منش، محمد، «نقش روسیه در جنبش تنباکو»، *پژوهش در تاریخ*، ۱۳۹۰، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۳)، صص. ۴۳-۶۶.
- افشار، حسن (مترجم)، ۱۳۸۶، *ایران و جنگ جهانی اول: آوردگاه ابردولت‌ها (مجموعه مقالات)*، ویراستار: تورج اتابکی، مقاله پژوهشی: «عوام‌گرایان رشت: پان‌اسلامیسم و نقش دول مرکزی»، تهران: ماهی.
- امانت، عباس، ۱۳۹۷، *تاریخ ایران مدرن*، تهران: کتاب پارسه.
- آبراهامیان، پروانه، ۱۳۸۷، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتحی ولیایی، تهران: نشر نی.
- براون، ادوارد، ۱۳۹۹، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه: مه‌ری قزوینی، تهران: کویر.
- پرستیس، مویسی آرونوویچ، ۱۳۹۲، *بلشویک‌ها و نهضت جنگل*، ترجمه: حمید احمدی، تهران: پردیس دانش.
- دوچمن، موریس، ۱۳۹۶، *ایران و امپریالیسم روسیه تزاری: نمونه آرمانی هرج و مرج ۱۹۱۴-۱۸۰۰*، ترجمه: روح‌الله اسلامی و ابوالفضل رضایی، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- رمضانی، روح‌الله، ۱۳۹۹، *تاریخ سیاست خارجی ایران از صفویه تا پایان پهلوی اول*، ۱۷۹ تا ۱۳۲۰ شمسی، ترجمه: روح‌الله اسلامی و زینب پزشکیان، تهران: نی.
- رئیس‌طوسی، رضا، ۱۴۰۱، *زوال نظام اجتماعی و فروپاشی دولت قاجار بر اساس اسناد آرشیو وزارت خارجه بریتانیا*، تهران: نی.
- فرمانفرمایان، رکسانه، «سیاست امتیازدهی: تحلیلی از ارتباط مالی‌های ایران با نقشه‌های انگلیسی‌ها و مذاکرات قاجارها»، ۱۳۹۸، *در جنگ و صلح در ایران دوره قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون*، ترجمه: حسن افشار، تهران: مرکز.
- فولادی، داراب، «بررسی مقایسه‌ای نقش روسیه و انگلستان در دو جنبش اجتماعی معاصر ایران: جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۱، ۱۳۹۴، (۳۰)، صص. ۵۲-۳۵.
- کسروی، احمد، ۱۳۸۴، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: صدای معاصر.
- کمالی، مسعود، ۱۳۸۱، *جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- متین‌عسگری، افشین، «عصر پهلوی: مدرنیته شدن ایران در بستر جهانی»، ۱۳۹۸، *در تاریخ ایران پژوهش آکسفورد*، ویراسته: تورج دریایی، ترجمه: شهربانو صارمی، تهران: ققنوس.
- مرشدی‌زاد، علی، عباس کشاورز شگری و بابک احمدپور ترکمانی، «بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو ۱۲۷۰-۱۲۶۹»، *دانش سیاسی*، ۱۳۸۹، ۶ (۲)، صص. ۱۷۷-۲۰۶. <https://doi.org/10.30497/pk.2011.13>
- معدل، منصور، «گفتمان سیاسی شیعه و بسیج سیاسی طبقاتی در جنبش تنباکو»، ۱۳۹۶، *در یک قرن انقلاب در ایران: جنبش‌های اجتماعی در ایران*، جان فوران، ترجمه: حسن اسدی، تهران: مولی.

مک‌لین، دیوید، ۱۴۰۱، *بریتانیا و کشور حائل: فروپاشی امپراتوری ایران*، ترجمه: مهرداد رضاییان، تهران: آبی پاریسی.

### لاتین:

- Avery, P. *Modern Iran: The dialectics of continuity and change*. *Middle Eastern Studies*, 1971, 7(2), 89–107.
- Cronin, Stephanie, 2010, *Tribal Politics in Iran: Rural Conflict and the New State, 1921-1941*, Routledge.
- Dailami, Pezhman, *The Bolsheviki and the Jangali Revolutionary Movement, 1915-1920*, *Cahiers du Monde russe et soviétique*, 1990, 31(1), 43-59, <https://doi.org/10.3406/cmr>.
- Deutschmann, Moritz, “All rulers are brothers”: *Russian relations with the Iranian monarchy in the nineteenth century*, *Iranian Studies*, 2022, Cambridge University Press.
- Gheorghe, Hellen, *The constitutional revolution of 1905 in Tehran: A visible manifestation of the consequences of imperial modernization in Qajar Iran*. *Asfar Journal*, 2015.
- Ghods, M. Reza, 1989, *Iran in the Twentieth Century: A Political History*, Lynne Rienner Publishers.
- Goudarzi, Baktash, 2023, *Russo-Persian relations and Russian imperialism in Qajar Iran, 1800-1906* (Master’s thesis), University of Victoria.
- Khavarinejad, saeid, *The image of Imperial Russia as an enemy in the Iranians’ collective memory*, Department of World Politics, National Research Tomsk State 2025, University. <https://orcid.org/0009-0009-7941-5551>
- Moazami, Behroz, “Sovereignty and statehood in early Qajar Rule: An Exercise in Conceptualization”, 2021, 6(1). <https://www.irannamag.com>
- Shakeri, Khosro, 1995, *The Soviet Socialist Republic of Iran, 1920–1921: Birth and Death of the First Socialist State in the Muslim World*, University of Pittsburgh Press.
- Tilly, Charles, 1978, *From mobilization to revolution*, Addison-Wesley